



شهاب کاظمی

گرایش علمی در تفسیر پرتوی از قرآن

مقدمه

مردان بزرگ و درد آشنایمان بشریت، در آغاز نهضت بیدارگرانه خود به یافتن درد جوامع و پس از آن دستیابی به راه حلی که بتوانند انسان های در بند جهل و گمراهی را به سر منزل مقصود برسانند همت می گمارند. از جمله بزرگ مردان و درد آشنای مسلمان، «حضرت آیت الله سید محمد علایی طالقانی» (۱۲۸۶-۱۳۵۸ ش) می باشد. وی پس از تفکر در زندگی مردمان، به بررسی علل انحطاط جوامع، به ویژه جوامع مسلمان نشین می پردازد. ایشان به درستی در می یابد که این انحطاط ریشه در چگونگی زندگی و فرهنگ حاکم بر آنان و در رأس این امور بی توجهی، یا به اصطلاح دوری از قرآن به عنوان راهنمای انسان در تمام شئون حیات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آنان دارد، و داروی این درد را در آیات قرآن می جوید. بر همین اساس پس از فراغت از تحصیل و ممارست در استنباط مفاهیم نهفته در قرآن کریم، از قم راهی تهران می شود و جلسات تفسیر را در منازل، و پس از آن در مسجد «منشور السلطان» تشکیل می دهد. روح سرشار و نبوغ وافر ایشان در فهم مبانی قرآن به سرعت ایشان را راهی «مسجد هدایت» می کند و گروه کثیری از علاقمندان به مبانی اعتقادی قرآن از جمله جوانان تحصیل کرده دانشگاهی را گرد شمع وجود خود جمع می کند. از آنجا که زندگی سراسر مبارزه ایشان منجر به در بند شدن وی در زندان های استبداد

می‌گردد، اما روح پرخروش او هیچ‌گاه زندانی جهالت و تحجر نگردد و تداوم این جلسات در زندان هدایتگر هم‌بندان و زندانیان می‌شود. گرچه وی از آغاز تشکیل جلسات بنای بر تدوین منسجم مجموعه‌ای به عنوان تفسیر قرآن نداشت، اما بیانات و تقریرات وی توسط برخی از علاقمندان به قرآن گردآوری می‌شود و پس از بازبینی و اصلاح موارد ضروری توسط مفسر جهت چاپ به بیرون از زندان ارسال می‌شود. سرانجام پس از طی چند سال اولین مجموعه تفسیر قرآن تحت عنوان «پرتوی از درسهایی از قرآن» یا به تعبیری «پرتوی از قرآن» که تفسیر آیات جزء آخر قرآن را شامل می‌شد، توسط مؤسسه انتشاراتی سهامی، چاپ و جهت استفاده علاقمندان به قرآن، به جامعه عرضه شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و آزادی زندان، گرچه شرایط خاص جامعه وی را به انجام امور محوله اجرایی و تحکیم پایه‌های انقلاب سوق داد، اما هیچ‌گاه این امور مانع بیانات و تقریرات تفسیری ایشان نگردد. بیان جذاب، صمیمیت روح و زندگی زاهدانه ایشان عشق و علاقه مردم را به وی برانگیخت. بر همین اساس «تفسیر پرتوی از قرآن» به سهولت توانست در بین علاقمندان به کلام وحی برای خود جایی برگزیند. از این رو ایشان در صدد تفسیر آیات آغازین قرآن برمی‌آید و این کار تا آیه ۲۲ سوره مبارکه نساء تداوم می‌یابد که پرواز ملکوتی روح لطیف و سرشار از عشق به قرآن وی در سحرگاه نوزدهم شهریور ۱۳۵۸ این دفتر را به پایان رسانید.

روش تفسیری آیت الله طالقانی

از جمله ویژگی‌های «آیت الله سید محمود طالقانی» در تفسیر قرآن، دوری و پرهیز وی از تکلفات دست و پاگیری است که در غالب موارد هر پژوهنده‌ای را مأیوس و از کار رنجور می‌کند. ایشان معتقد است که با تأمل و تفکر آزاد می‌توان به رموز بلاغت و گویایی قرآن راه یافت. وی با پیش فرض‌هایی از قبیل تحولی که قرآن می‌تواند در جامعه به وجود آورد، به سراغ قرآن می‌رود و لزوم تمسک به هدایت فراگیر آن را مطرح، و در صدد ایجاد راهکارها و چگونگی در معرض هدایت قرآن قرار گرفتن را از خود قرآن می‌جوید.

ایشان جهت نیل به مقصود، ابتدا چند آیه از آیات یک سوره را بیان می‌کند و پس از آن به ترجمه تطبیقی آیات به زبان فارسی می‌پردازد. تمسک به واژه‌های ساده و روان در این بخش از کار از ویژگی‌های منحصر ایشان به شمار می‌رود. سپس به ریشه‌یابی

واژه‌های هر آیه پرداخته و بدین وسیله مجال تفکر آزاد پیرامون آیه را برای مستمع و یا خواننده تفسیر فراهم می‌کند. پس از آن با ذهنی فارغ به تعمق در آیات می‌پردازد و آنچه از متن آیات بر ذهن ایشان تجلی می‌کند به زیور کلام می‌آراید. وی در مواردی از احادیث صحیحہ معصومان و آراء مفسران استفاده می‌کند، اما دوری از منابع مطالعاتی، خصوصاً در ایام تبعید و یا بازداشت‌ها، باعث می‌شود که تفسیر «پرتوی از قرآن» از حداقل استفاده از منابع، اعم از حدیثی و غیره برخوردار باشد.

جو خفقان آور دوران قبل از پیروزی انقلاب ایجاب می‌کند که مسائل اجتماعی، مخصوصاً مسائل سیاسی، برخلاف مسائل علمی و اخلاقی در تفسیر «پرتوی از قرآن» نمود پیدا نکند، اما این بدان معنا نیست که «مرحوم طالقانی» نسبت به این مفاهیم با دیده اغماض نگریسته باشد، بلکه به فراخور اهمیت موضوع و احساس نیاز، به بیان مطالب اصلاحی و اجتماعی پرداخته می‌شود. وی به منظور جبران کاستی‌ها و بیان شرایط خاص حاکم بر زمان تدوین تفسیر می‌گوید:

خواننده عزیز! اگر در مطالب این مقدمه و قسمتی از کتاب اشتباه و لغزشی یافتید تذکر فرمایید و معذوم بدارید زیرا این تفسیر در مدتی نگارش یافته که از همه جا منقطع بوده و به مدارک دسترسی ندارم و مانند زنده‌ای در میان قبر به سر می‌برم.^۱

«مرحوم آیت الله طالقانی» در پاره‌ای موارد، علاوه بر امتیاز داشتن روش اجتماعی و لغوی و استفاده از تفسیر ماثور، مشربی عرفانی نیز داشته و در این راه نه تنها از تفسیر فلسفی عرفانی مفاتیح الغیب صدر المتألهین شیرازی سود جسته، بلکه در ذیل بسیاری از آیات از اشعار پر مغز مثنوی مولوی بهره جسته و بدان استناد کرده است.^۲

یکی دیگر از ممیزات بارز این تفسیر، توجه وافر به مسائل علمی و در واقع انطباق اطلاعات علمی با برخی از آیات قرآنی است. از آنجا که گرایش به تفسیر علمی آیات قرآن از یرگی‌های برجسته تفاسیر در قرن اخیر می‌باشد، اما افراط در این مسأله در برخی موارد اعتراضات فراوانی به دنبال داشته است. اما تفاوت قائل شدن بین گرایش علمی با گرایش مادی که طبق آن آیات، براساس دریافت‌های مادی تبیین می‌شوند، تا حدی می‌تواند ذهن اندیشمندان علوم تجربی را به استفاده و بهره‌گیری از قرآن کریم براساس همان پیش فرض‌های علمی برانگیزد.

غور در تفاسیر پیشینیان اعم از امامیه و اهل سنت، بیانگر این مطلب است که

استفاده از سبک علمی و بهره‌گیری از دانش بشری به منظور تأیید محتوای تفسیری آیات امر جدیدی به شمار نمی‌رود، بلکه نمودهای تفسیر علمی در میان برخی از قدامی مفسران هر دو مذهب هویدا است. تفسیرهایی که در قرن حاضر گرایش علمی دارند هر چند شدت و ضعف در آنها دیده می‌شود، بسیارند. در اهل سنت از تفسیرهایی چون «الجواهر، کشف الأسرار النورانیة اسکندرانی، المنار، مراغی» و در شیعه از تفسیرهایی چون «نمونه، پرتوی از قرآن، نوین، تا حدودی المیزان و الکاشف محمد جواد مغنیه» می‌توان یاد کرد.^۳ در عین حال از بارزترین چهره‌های گرایش علمی در تفسیر قرآن می‌تواند از «شیخ طنطاوی»^۴ نام برد. طنطاوی تصریح می‌کند که بیش از ۱۷۵۰ آیه علمی در قرآن هست که مفسران قدیم قهراً مهمل گذاشته‌اند و این غبن تاریخی و جفایی که بر قرآن رفته باید با نگاشتن تفاسیر هر چه علمی‌تر جبران شود.^۵ لذا اولین تفسیر کامل قرآن در دوره معاصر که با نگرشی علمی به قرآن تدوین یافته است تفسیر طنطاوی (الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم) می‌باشد.

آیت الله طالقانی، با عنایت به متغیر بودن و ناپایداری فرضیات علمی و صرفاً بدان جهت که این پیشرفت زمان علم است که می‌تواند اندک اندک از روی بواطن و اسرار قرآن پرده بردارد، در تفسیر برخی از آیات، در متن پاورقی به بعضی از فرضیات علمی اشاره دارد و بدین وسیله چشم‌ها و گوش‌ها و دل‌ها و اندیشه‌ها را به روی حقایق از طبیعت می‌گشاید. از آنجا که لازمه گرایش علمی در تفسیر قرآن احاطه بر علوم چون هیئت، نجوم، طب، فیزیک، شیمی، زمین‌شناسی و غیره است و از طرفی محروم ماندن مفسر از استفاده از منابع و متون علمی و تجربی و شرایط زمانی خاص حاکم در آن دوران اقتضا می‌کند که مرحوم طالقانی از حداقل منابع، حداکثر استفاده را ببرد. لذا از این جهت منابع بسیار محدودی در تفسیر «پرتوی از قرآن» مورد استفاده قرار گرفته است، که جا دارد قرآن پژوهان فهیم، جهت پربار کردن مفاهیم علمی آیات درصدد تصحیح و تنقیح این مطالب برآیند. به هر حال از آنجا که این تفسیر دارای جنبه‌های متفاوت، از جمله جنبه هدایتی و تربیتی و برخورداری از نثری دلپذیر و جذاب می‌باشد، استفاده از نکات و یافته‌های علمی و تجربی جهت دستیابی و فهم بهتر آیات به منظور بازگشت به قرآن و احیای جنبه هدایتگرانه این کتاب آسمانی در عهد بی‌توجهی به آن در زمان تدوین، از مشخصات بارز این تفسیر به شمار می‌رود. لذا در این مقاله برآنیم جهت آشنایی بیشتر با این تفسیر

گرانمایه، به بررسی مختصر یکی از ابعاد آن و تأمل در نظرات علمی مفسر عالی قدر ذیل آیات مربوطه قرآن کریم پردازیم. بدیهی است مراجعه مستقیم به تفسیر «پرتوی از قرآن» می‌تواند نقاب از چهره مفاهیم نهفته در آن را برای هر پژوهنده قرآنی برگیرد.

کیفیت خلقت انسان

مفسر فرزانه آیت الله طالقانی، در ذیل آیاتی که به بحث در مورد چگونگی خلقت انسان پرداخته است، در آغاز اشاره‌ای به قدرت ربوبی پروردگار کرده و تمام انسان‌ها را از منشاء واحد به شمار می‌آورد. وی طی بحثی نسبتاً مختصر به اختلاف در رنگ و صفات انسان‌ها اشاره می‌کند و این اختلاف که منشاء تکامل، و از قوانین تکوینی خداوند می‌باشد، از نشانه‌های ربوبیت باری تعالی شمرده است.

وی با استناد به حدیثی از امام صادق (ع) که در کتاب توحید صدوق آمده است، معتقد است که آدم (ع) نخستین فرد این نوع نیست بلکه قبل از او هزاران آدم خلق شده، اما طبق صریح آیات، آدم (ع) سر سلسله نسل و ذریه‌ای نخبه و تاریخ ساز بوده که نهادی توحیدی داشته و به مبارزه با شرک و طاغوت گرای و تسلیم خداوند برخاسته است. پس از آن بحثی در مورد تکامل انسان مطرح می‌شود و ضمن نقد نظرات تکامل «لامارک» و «داروین» می‌گوید:

در تکامل جنینی نه تنازع بقا و انتخاب اصلح در میان است و نه کوشش و کار و زحمتی. شاید که اطوار جنین در رحم و در زمان کوتاه و فشرده، و نمایشگر پرورش و تطورات انواع در پرورشگاه رحم طبیعت زمین و شرائط آن در زمان طولانی باشد و انواع هر یک و یا هر گروه متقارب از منشائی خاصی برآمده و تکامل یافته باشند، هم چنان که تکامل یک فرد انسان در زمان محدود، متأثر و هماهنگ با تکامل اجتماع و شرایط آن و در زمان طولانی است.^۶

یکی از مسائلی که پیوسته ذهن اندیشمندان علوم تجربی را به خود معطوف داشته است، چگونگی خلقت جسمانی انسان است. قرآن کریم در عین جامعیت، با کوتاه‌ترین عبارت این مسأله را عنوان می‌کند و می‌فرماید: «من نطفة خلقه فقدره» (عبس، ۱۹/۸۰). مفسر گرانقدر «پرتوی از قرآن» در ذیل این آیه می‌گوید:

از نطفه‌ای نادار، ناتوان، ناچیز، فاقد شکل و اندازه انسانی او را آفرید و



شکل داد. آنگاه قوای باطن و ظاهر و هندسه اندام او را تنظیم و تقدیر کرد. پس از بیان این مطالب ناگهان وی ذهن شنونده را به پدید آوردنده و خالق این موجود سوق می دهد و با ایجاد سؤال، انسان جست و جوگر را جهت یافتن پاسخ به دنبال خود می کشاند. وی می گوید:

آیا این اندام متناسب و زیبا، این رشته اعصاب حسی و حرکتی، این دستگاه گیرنده و اندیشنده مغز، این حواس و مدارک پراکنده و مرتبط و... را این نطفه ناچیز یا فضای رحم به وی عنایت کرده؟ منشأ این آیات که هنوز محققین و دانشمندان جز ظواهری از آنان را نشناخته اند کی و کجاست؟^۷

ایشان جهت پاسخگویی به خواننده، به بحثی علمی درباره نطفه پرداخته و به نقل از کتاب «بی نهایت» تألیف «ژرژ گاموف» می گوید:

اندکی پس از تکوین نطفه که آمیخته ای از یاخته نرو ماده «گامت» است، عمل تقسیم منظم و تقدیر شروع می شود. منشاء این عمل حیاتی الیاف بسیار ریز و نازک است که عموماً هر چه موجود زنده کامل تر باشد، شماره آن بیشتر می باشد. این ماده «کروموزوم» از هسته مرکزی شبکی شکل یاخته «کروماتین» پدید می آید. به این ترتیب که «کروموزوم» تغییر شکل می دهد و به دو دسته تقسیم می شود و به دو نقطه حد خارجی هسته «سانتروزوم» روی می آورد. هر هسته از این دو قسمت رشته ها که نیمی از پدر و نیمی از مادر گرفته از درون هسته متصل به یکدیگر می باشند و از بیرون در دو جهت مقابل کشیده می شود و با این عمل به تدریج هسته به دو قسمت متمایز تقسیم می شود. پس از تکمیل عمل تقسیم و جدایی، پوست یاخته در میان این دو از دو سمت به هم نزدیک و متصل می شود، سپس به صورت دو یاخته کامل و مستقل درمی آیند و به همین ترتیب، عمل تقسیم و تقدیر پیوسته پیش می رود.^۸

وی در ذیل آیه اَلَّذی خَلَقَ فَسَوَّاکَ فَعَدَلکَ . (انفطار، ۷/۸۲) به بحث تبدیل و تکامل اعضا و هماهنگی آنها پرداخته و ضمن نقد نظریه جهش موتاسیون، که مورد نظر علمای زیست شناسی می باشد می گوید:

این آیه صریح در اطوار تکامل انسان است در ظرف طبیعت، مانند تکامل در ظرف رحم و محیط محدود و مشهود آن می باشد. تکامل سریع جنین در

رحم نمایاننده اطواری است که در مسیر تکامل در زمان‌های دراز و در رحم وسیع خلقت پیش آمده و گذشته است. چنان‌که از تعبیر بیان آیات معلوم می‌شود، «تسویه» که معنای آن تغییر و تبدیل اعضا و غرائز و یکسان و هماهنگ شدن با یکدیگر و انطباق با محیط است، محرک تکامل و واسطه جهش به سوی حیات برتر و تعدیل قوامی باشد.^۹

از دیگر مسائل علوم تجربی که چندین قرن پیش قرآن بدان پراخته است، بحث وراثت است. آیت اللّه طالقانی ضمن تفسیر آیه ذریه بعضها من بعض و اللّٰه سمیع علیم. (آل عمران، ۳/۳۴) با اشاره به کشف علمی اصل توارث در سال ۱۸۶۵ توسط یک کشیش اطریشی به نام «مندل» می‌گوید:

واحد حیاتی «سلول» از پوستی ساخته شده که آن را فراگرفته و ماده لزجی «پروتوپلاسم» که گویا حافظ و ماده تغذیه است و هسته شبکه‌مانندی که از ذرات بسیار ریز ترکیب یافته است. همین ذرات است که پس از تکوین نطفه از مبدأ حیاتی نر و ماده «اسپرماتوزوئید» و «اوول» تقسیم و تکثیر می‌شود و اوصاف و خصایص پدر و مادر را منتقل می‌کند و باقی و حافظ فرد و نوع می‌باشد و پیکر و اعضای زنده را با همان خواص و اوصاف نوعی و فردی می‌سازد.^{۱۰}

پس از بیان این مطالب، به اثبات نقش ایجابی زن در توارث و انتقال صفات پرداخته و ضمن اشعار به واژه «اصطفاک» در آیه ۳۳ آل عمران می‌گوید:

تکرار فعل «اصطفاک» اشعار به اصطفاکی مکرر و پی در پی دارد که مریم (س) کانون آنها گردید. در این آیات نقش زن در وراثت صفات غالب و بازتاب آنها در نسل‌های بعد آشکارا تعیین شده است.^{۱۱}

وی پس از بیان نظریه تفسیری خود در پاورقی ابراز می‌دارد که تجربیات و تحقیقات دانشمندان علم وراثت همین را می‌نمایند که صفات غالب، پیوسته از جانب زن منتقل می‌شود و از جانب مرد بسیار اندک است و سبب آن را بدین گونه یافته‌اند: «کروموزومها» که ناقل صفاتند و از سلول‌های ماده و نر یکسان تقسیم می‌شوند و تقسیم نطفه می‌دهند در سلول ماده همانند نر و در سلول نری یکی همانند ماده و دیگری به گونه دیگر است. و اگر وراثت صفت غالب و بازگرد را در مرد یک از هزار فرض کنیم با ضریب احتمالات از جانب زن یک میلیون بار بیش از مرد است.

نمودهای علم پزشکی

از جمله اموری که در غالب موارد مورد استناد علوم پزشکی بوده است، ارتباط صحت و سلامتی کودکان با استفاده از شیر مادر در دوران رضاع و شیرخوارگی است. روایات فراوان اسلامی حاکی از آن است که سلامت روانی و جسمانی انسان به میزان قابل توجهی مرهون استفاده او در دوران خردسالی از شیرمادر می باشد. قرآن کریم که در بردارنده دستورالعمل زندگی ساز انسان در قبل از تکوین نطفه تا واپسین لحظات عمر انسان در این دنیا می باشد، نسبت به این پدیده با دیده علمی نگریسته و ارتزاق از شیر مادر طی دو سال کامل و توصیه کرده است. آیت الله طالقانی ذیل آیه ۲۳۴ سوره بقره به نقش شیرمادر و چگونگی تکوین آن از نظر علم پزشکی اشاره کرده و می گوید:

شیر مادر غذایی است که به وسیله غده ها و جهازات بدن مادر، و از همان ترکیبات خونی و غذایی ساخته می شود که تار و پود طفل تکوین یافته است و منشأ عواطف رقیق و متبادل مادر و طفل، همین تناسب و جذب طبیعی می باشد که با آهنگ ها و نگاه های مهر آمیز مادر، جسم و جان طفل را می پروراند و آثاری از مهر و رحمت و شعور به مسئولیت در کانون درونش به ودیعه می گذارد و با گذشت زمان و در سنین رشد، این آثار ظاهر می شود.

وی پس از بیان این مطلب به زمان تشکیل شیر در سینه های مادر اشاره کرده ابراز می دارد:

رابطه معنوی مادر با طفل چنان مرموز است که حالات و ناراحتی و سیری و گرسنگی طفل، در جوشش شیر و فعالیت غده های پستانی و شور دل مادر تأثیر می گذارد و مادران این احوال را از دور احساس می نمایند و خشکی عواطف و سنگدلی و بی تفاوتی بعضی از انسانها را از آثار استفاده از شیر خشک و مواد خوراکی دیگر در دوران رضاع طفل می داند.^{۱۲}

یکی از پدیده های خانمان سوز که جوامع بشری از جمله جوامع غربی بدان گرفتار شده اند، پدیده شراب خواری است. امری که در میان اعراب جاهلی امری رایجی بود. خدواند حکیم در پی مبارزه با سیئات اخلاقی طی آیاتی از قرآن، به محدود کردن استفاده از این پدیده پرداخته، و در نهایت حکم به تحریم و گناه بودن آن صادر فرمود. آثار شوم و مخربی که مسکرات در جسم و روان انسان برجای می گذارد بر کسی

پوشیده نیست و می‌توان اذعان کرد که غالب حوادث و اتفاقاتی که زندگی روزمره آدمیان را مورد تهدید قرار می‌دهد ریشه در استفاده از این پدیده دارد. مسأله شراب و می‌گساری، اندیشه انسان را به مخاطره می‌اندازد و آلوده شدن به آن سبب از دست رفتن شرف و انسانیت آدمی می‌گردد.

آیت الله طالقانی ضمن بحث جامعی پیرامون این پدیده، به آثار مخرب و زیان‌آور بهداشتی آن می‌پردازد. وی در این خصوص اذعان می‌دارد:

تجربیات پزشکی هر روزه زیان‌ها و آثار شوم این مایع را آشکارتر می‌کند. مواد الکلی از همان وقتی که به کام انسان سالم می‌رسد طعم و بوی آن اعلام ناسازگاری و خطر می‌نماید. پس از آن نسوج و غده‌های ذائقه و گلو و معده را می‌سوزاند و حرکات و ترشحات هضمی را مختل می‌کند و موجب زخم معده و روده و تورم کبد می‌شود و چون وارد خون شد مانند میکروبی که حمله‌ور می‌شود، جهازات خونی ملتهب می‌گردد و حرارت بدن افزایش می‌یابد تا این ماده سمی و جذب نشدنی را از بدن بیرون راند. حالت مستی عکس‌العمل این التهابها و فتورهای است که در مغز و اعصاب رخ می‌نماید. در این حال همه چیز در نظر مخمور دگرگون می‌شود، عقده‌ها و کینه‌ها باز و وسیع می‌شود، به هر جنایتی بی‌باکانه اقدام می‌کند، دوست را دشمن، و منفور را محبوب، و زشت را زیبا می‌نگرد. ۱۳

علاوه بر این مطالب که در خصوص مشروبات الکلی عنوان شد، به اثر علمی غذا و خوراکی‌ها پرداخته و به نقش آنها در سلامتی تن و روان انسان اشاره شده است. وی ذیل آیات ۲۹-۳۰ سوره عبس در فواید مواد اصلی غذای انسان‌ها می‌گوید:

آخرین تجسسات علمی نشان داده‌است که غذاها باید شامل مواد اصلی زیر باشد تا بتواند سلامت و نمو حیات سلول‌های بدن را تأمین کند. این مواد عبارتند از:

۱. پروتئیدها یا مواد آلبومینوئید که آنها را مواد سازنده انساج می‌دانند.
۲. لپیدها که آنها را غذاهای سوزاننده می‌دانند. ۳. گلوکسیدها که جزو غذاهای مولد قوه و انرژی می‌باشند. ۴. املاح معدنی که آنها را هم سازنده و هم تولید کننده قوا می‌دانند. ۵. سلولزها که آنها را جزو غذاهای پاک‌کننده محسوب می‌دارند. ۶. فرمانها یا کاتالیزورها که سبب آماده کردن غذاهای دیگر برای هضم

و جذب می‌شود و در آخر ویتامینها که آنها را جزو غذاهای حیاتی می‌دانند. وی علاوه بر این مطالب، بحث علمی و جالبی پیرامون مواد تشکیل دهنده هر یک از اقلام فوق را مطرح می‌کند و برای هر کدام مواردی را یاد آوری می‌کند. در حقیقت با دقت در مطالب ارائه شده، گویی طیبی حاذق بر مسند تفسیر نشسته و با وسع اطلاع و اندیشه وافر به تبیین پزشکی انواع خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها پرداخته و به تفسیر علمی آیات می‌پردازد. ایشان با استناد به آیات قرآن، انسان را به تفکر و توجه به طعام خود دعوت می‌کند و می‌گوید:

این اوامر و دعوت‌های قرآن حکیم بر طبق فطرت و طبیعت حواس و ادراکات بشری است که باید از طریق شهود و تحقیق با اسرار کائنات و قوانین طبیعت آشنا سازد و آنها را پایه استدلال و تفکر گرداند تا حکمت و قدرت و صفات پروردگار را در آئینه جهان بنگرد. ۱۴

از جمله مواد غذایی که مورد نهی اکید قرآن قرار گرفته است، استفاده از گوشت خوک می‌باشد. قرآن کریم پانزده قرن پیش به مضرات جسمی و روانی این خوراک اشاره کرده است، در حالی که علم پزشکی اکنون به آن رسیده است. آیت الله طالقانی در فزازی از تفسیر خود می‌گوید:

حکمت تحریم این موارد را باید در آثار روحی و اخلاقی یا جسمی آنها بررسی نمود. نسوج بدنی هر گونه حیوانی ترکیب خاصی دارد که ناشی از خلیات و غائر بارزی است که مکمون در اصل تکوین آن بوده و نیز هر گونه غذای حیوانی یا گیاهی و نوع ترکیب آنها اثر خاصی در تکوین و ترکیب نسوج بدنی و خلقی انسان دارد که پدیده قابل تحول در همه جهات است و مجموع این آثار زمینه چگونگی اخلاق و اندیشه را فراهم می‌سازد.

سپس وی به بحثی در خصوص گوشت خوک پرداخته می‌گوید:

گوشت خوک قبل از آن که کرم خاصی به نام «تریشین» دارد، تأثیر در تهییج شهوات و بی‌بندوباری و «بی‌غیرتی» دارد.

بدین ترتیب ضمن اشاره به اثر سوء غذایی داشتن این حیوان، به اثرات روانی آن و تحریک شهوات و بی‌تفاوتی در قبال مباحث اخلاقی اشاره می‌شود. ۱۵

پیدایش آسمانها و ستارگان

همان طور که قبلاً بیان شد ماهیت گرایش علمی پرداختن به آیات از نگاه علوم گوناگون و تلاش در جهت فهم بهتر آنها در پرتو دستاوردهای علم است، در نتیجه مفسرانی که درصدد فهم صحیح آیات مربوط به حوزه علوم بوده‌اند ناگزیر نیم‌نگاهی به دستاوردهای علوم داشته‌اند زیرا تصورات و برداشت‌های گذشتگان نسبت به این دسته از آیات بیشتر پایه محکم علمی نداشته است و از همین روی در رویارویی با کشفیات جدیدگاه مورد انکار قرار می‌گرفته و مفسران قرن چهارده با دستیابی به آگاهی‌های جدید ناگزیر به اصلاح برداشت‌های پیشین بوده‌اند.^{۱۶}

بر همین اساس نگاهی گذرا به آرا و نظرات تفسیری آیت الله طالقانی پیرامون آیات مربوط به این حوزه خواهیم داشت. از جمله مسائلی که ذهن متفکران و اندیشمندان علمی را مدت‌های طولانی به خود معطوف داشته است و تا حدودی هم اکنون نیز در هاله‌ای از ابهام فرو رفته است، چگونگی پیدایش زمین و آسمان‌ها است. آیت الله طالقانی در شرحی که ذیل آیه «وَالْأَرْضُ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا» (نازعات، ۷۹/۳۰)، آورده است، اذعان دارند که فلاسفه یونان که پیشروان فکری بوده‌اند زمین و اجرام فلکی را جسم‌های ابداعی می‌دانستند. «بطلمیوس» زمین را مرکز، و افلاک را با حرکات گوناگون، و ستارگانی که در آنها جای دارند محیط بر زمین پنداشت. وی پس از بیان این دیدگاه به مقایسه چند فرضیه درباره این موضوع می‌پردازد و می‌گوید:

جالب‌ترین فرضیه‌ها درباره چگونگی آفرینش زمین و آسمان فرضیه کانت آلمانی بود که سپس لاپلاس فرانسوی آن را تکمیل کرد. این فرضیه می‌گوید زمین و سیارات منظومه شمسی از حلقه‌گازی به وجود آمده‌اند که در نتیجه نیروی گریز از مرکز در ابتدای انقباض آن جدا شده‌اند. این فرضیه با علم به این که تمام حرکات دَوْرانی سیارات از خورشید نیست، قابل نقض است.

سپس به فرضیه چمبرلین و مولتون اشاره شده است. آنها اعتقاد دارند که زمین در نتیجه تصادم خورشید با جرمی همانند آن وجدا شدن سیارات به وجود آمده است. گرچه این فرضیه تا مدتی توانست توجه اذهان را به خود معطوف دارد اما عدم ارائه دلیل مثبت علمی، تصور چنین تصادمی آن هم در همه منظومه‌های شمسی، احتمالی بعید می‌نماید. از طرف دیگر آخرین فرضیه در مورد پدید آمدن سیارات آن است که وایزسیکر

آلمانی، ابداع کرده و به وسیله کوپیروترها تکمیل شده است. آنها اعتقاد دارند که گاز گسترش یافته «تیدروژن - هلیوم و غبارها» باعث شد که خورشید و سیارات با هم شکل گرفته و نیروی گریز از مرکز آنها را از خورشید رانده، سپس ماده اولی آنها با برخورد با ذرات پیوسته و متراکم شده تا این سیارات به وجود آمدند.

آیت الله طالقانی پس از بیان این فرضیات در ذیل همان آیه می گوید:

چنان که در شرح لغت ذکر شد اگر «دحی» از «دحو» به معنای به شدت پرتاب کردن باشد نظر آیه به مرحله نخستین خلقت و جدا شدن زمین از منشأ اصلی خود می باشد و اگر به معنای گستردن و آماده کردن باشد، نظر آیه به دوره ای است که زمین پس از گذشت دوران هایی که گویند کره مشتعلی بوده و رفته رفته فرو نشسته و سرد شده و سطح آن از مواد خاک و عناصر اولیه برای ظهور برکات و رحمت خداوند و زندگی انسان ها آماده شده است.

یکی دیگر از مسائلی که مورد بررسی های علمی قرار گرفته است انفجارات ناگهانی ستارگان و کیهان ها می باشد. براساس نظرات مفسران، قرآن، زمین یا نظام شمسی را در این شرایط «راجفه» خوانده که طبیعت آن در حال حرکت و انفجار است. آغاز خلقت آن چنین بوده و به همین صورت نیز منتهی می شود. سبب پیوستگی و فشردگی آن از قدرت قاهر و اراده و تدبیر ربوبی است. همین که دوره تدبیر به کمال خود رسید آن اراده قاهر تدبیر صورت را رها می کند و همان علل و عواملی که در ذرات جسمی «اتم» جاری است، نظام شمسی و زمین را که صورت بزرگ تر آن است منفجر و متبدل می سازد. ۱۷

مفسر فرزانه جهت تأیید علمی نظریه تفسیری خود ضمن طرح این بحث در پاورقی اذعان می دارد:

در ضمن بررسی ها و رصدها برای شناسایی اوضاع کیهان ها و ستارگان مشاهده شده که در وضع بعضی از ستارگان ناگهان تغییر و تبدیل یا انفجاری پیش آمده و گاهی شعاع آن به سرعت افزوده می شود و چندین هزار برابر بیشتر از وضع طبیعی می گردد و بعضی از ستارگان دور و ریز که با دوربین های قوی دیده می شوند از درخشنده ترین ستارگان می گردند. مطالعات کیهانی و عکسبرداری ها نشان می دهد که در کهکشان ما در هر سال بیش از بیست

انفجار و این گونه تغییرات رخ می دهد. چنان که نورانیت متوسط این تشعشعات و انفجارها در حدود دویست هزار برابر نور خورشید حدس زده می شود و نورانیت بعضی هزاران برابر بیش از این است.^{۱۸}

هم چنین وی برای اثبات فرضیه تکامل ستارگان به فرضیه «گاموف» استناد می جوید که وی ابراز می دارد:

هر ستاره در آغاز زندگی خود به صورت کره غول آسای گازی رقیق و سردی است که از مخلوطی از عناصر مختلف شیمیایی تشکیل شده است. جاذبه ثقلی موجود میان قسمت های مختلف این کره گازی سبب آن می شود که رفته رفته منقبض شود و درجه حرارت مرکزی آن بالا رود. به محض آن که درجه حرارت مرکزی به حدود یک میلیون برسد نخستین فعل و انفعال هسته ای در قسمت درونی ستاره آغاز می شود. انرژی زیراتومی آزاد شده از انقباض جدید کره جلو می گیرد و تا مدتی که آن اندازه دوتریوم موجود باشد که این فعل و انفعال بتواند ادامه پیدا کند، ستاره حالت کما بیش ثابت و پایداری پیدا می کند.^{۱۹}

یکی دیگر از فرضیات علمی که قرن ها پیش قرآن به آن پرداخته است خاموش شدن خورشید می باشد. قرآن با ظریف ترین و کوتاه ترین عبارت این پدیده را اعلام می دارد. هم اکنون با اختراع ابزارهای دقیق علمی دانشمندان و ستاره شناسان به این نتیجه رسیده اند که عمر خورشید در مقایسه با کهکشان ها مانند بوته و شکوفه ای است که روزی باز و شکفته شده و روز دیگر افسرده می شود.

آیت الله طالقانی ضمن بیان این مطلب در ذیل آیه اِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ. (تکویر، ۸۱ / ۱) می گوید:

با تکامل دوربین های نجومی و پیشرفت دستگاه های تجزیه و عکس برداری کیهانی و تجربه و مشاهده مستمر در اشکال و انواع و تغییر منظر و رنگ های ستارگان این حقیقت مسلم شد که کهکشان ها و میلیون ها ستاره ای که تشکیل دهنده هر یک از آنها هستند در حال تغییر و تحول و تکامل می باشند و چون تغییر و تحول آنها ثابت شد و مواد ابری که اصل مادی آنها است مشهود گردید، مسأله مرگ و فنا ی ستارگان که خورشید یکی از آنها می باشد مطرح خواهد شد و به وسیله اختراع دوربین های بزرگ نجومی و بررسی ها، هرچه آفاق دور و کهکشان ها بیشتر

آشکار شد و عظمت و قدرت و دوام خورشید در اندیشه‌ها کم‌تر گردید. ۲۰

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد استناد به مبانی فکری علوم تجربی به عنوان اصلی پذیرفته شده، ابزار برداشتن نقاب از چهره آیات قرآن قرار می‌گیرد و بدین طریق آیات قرآن با توجه به پیشرفت‌ها و اختراعات بشری تبیین می‌گردد. گرچه مفسر عالیقدر هیچ‌گاه اعتقاد به استوار بودن این فرضیات علمی نداشته اما بین آینده‌نگری‌های قرآن و علوم تجربی را بدین طریق جمع کرده است.

وی سپس در ذیل آیه *اذا السماء انفطرت*. (انفطار، ۱/۸۲)، به بحث به هم ریختن نظام هستی اشاره می‌کند و پس از بیان نظرات تفسیری خود به شواهد علمی استناد می‌جوید و می‌گوید:

اگرچه معلومات و تحقیقات کیهان‌شناسی با همه پیشرفت‌هایش هنوز راجع به پایان جهان یا به هم ریختن وضع موجود نظام کهکشان‌ها نمی‌تواند مانند قرآن اظهار نظر قاطعی نماید ولی در مسیر این گونه بررسی‌ها چنین وضع نهایی پیش بینی می‌شود. از مجموع مشاهدات و محاسبات ریاضی این اصل مسلم شده است که سراسر جهان و کهکشان‌ها پیوسته در حال انبساط است و این انبساط نتیجه قوا و تغییرات و تحولاتی است که در عناصر و مواد اولی آن روی می‌دهد. ۲۱

نیز در پاورقی جلد سوم زیر عنوان کهکشان‌های مصادم آمده است:

در برخورد دو کهکشان، نیروی جاذبه ستاره‌ها موجب برهم خوردن نظم حرکت آنها و آشفته شدن ساختمان کهکشان‌ها می‌شود اما تصور نمی‌رود که در هر یک از ستاره‌ها تغییر محسوسی روی دهد اما باید منتظر تغییر عظیمی در ابرهای غبار و گاز موجود در کهکشان‌ها باشیم. ۲۲

موقعیت کوهها و زمین

یکی از پدیده‌هایی که قرن‌ها پیش مورد بررسی و تحقیق زمین‌شناسی قرار گرفته است، پدیده کوه‌ها و نقش آنها در سکون و آرامش زمین است. از جمله نظریه‌های علمی که اساس مطالعات و پژوهش‌های عمیق زمین‌شناسی قرار گرفته است، بحث پیرامون ساختمان پوسته جامد زمین و مواد مذاب تشکیل دهنده هسته آن و تغییرات تدریجی در پوسته و هسته زمین می‌باشد. نقش اقیانوس‌ها از یک طرف و استواری کره زمین توسط



کوه‌ها از طرف دیگر، زمین‌شناسان را بر آن می‌دارد که با دقت فراوان به این پدیده نگریسته و حالت و چگونگی قرار گرفتن آنها از جهات متفاوت و هم‌چنین کیفیت تحول آنها در اعصار گذشته را مورد بازبینی علمی قرار دهند. بر همین اساس مفسر بزرگ آیت الله طالقانی پس از ایراد نکات تفسیری خود در ذیل آیات مربوط طبق فراخور مطلب به منابع علمی زمین‌شناسی استناد جسته و بین‌یافته‌های علمی و مفاهیم قرآنی جمع کرده است. وی در ذیل آیه **وَالجِبَالِ اَوْتَادًا**. (بناء، ۷/۷۸) می‌گوید:

کوه‌ها میخ‌ها و پایه زمین هستند که آن را به صورت مهدکامل در آورده‌اند. زمین با میخکوب شدن به وسیله تکوین مستمر کوهها از اضطراب و زلزله‌ها و انفجارها به سکون گرائید و قسمت‌های درونی و قشرهای بیرونی و آب و هوا که پیوسته درهم می‌آمیخت و تغییر مکان می‌داد مانند قطعات جدایی بود که با هم متصل گشت و با فشرده شدن مواد رسوبی که پایه نخستین کوه‌ها می‌باشد هر قسمت و قطعه‌ای از طبقات آن در جای خود قرار گرفت و سطح زمین را از فشار انفجارهای درونی و زلزله‌های خشمگین همیشگی بازداشت. ۲۳

ایشان همین نظریه خود را با نظریات علم زمین‌شناسی تطبیق می‌دهد و به «اوتاد» بودن کوه‌ها از جهت علم زمین‌شناسی می‌پردازد. در پاورقی که ذیل همین آیه آمده است ابراز می‌دارد:

کوه‌ها و مناطق کوهستانی که قسمت‌های سنگین و ضخیم قشر جامد زمین هستند و در قشر مذاب زیر خود بیشتر نفوذ کرده، ریشه و بیخ آنها مثل میخ در قشر مذاب فرو رفته است. اما قسمتی از قشر جامد که در زیر اقیانوس‌ها قرار دارد نازک‌تر بوده، جبران نازکی و سبکی نسبی آن را ضخامت بیشتری از قشر مذاب سنگین زیرین می‌کند. بنابراین قشر مذاب سنگین، جبران‌کننده سنگینی و سبکی نسبی پوسته جامد زمین می‌باشد. هر جا که پوسته جامد سنگین‌تر و ضخیم‌تر است قشر مزبور نازک‌تر و هر جا پوسته جامد نازک‌تر باشد این قشر ضخیم‌تر و قطورتر می‌باشد و بدین شکل است که تعادل میان پوسته جامد قشر مذاب زیر آن برقرار می‌گردد. ۲۴

هم‌چنین از مواردی که زمین‌شناسان پیرامون آن به بحث پرداخته‌اند، انقراض و انهدام کره زمین و کوه‌ها می‌باشد. پدیده انقراض زمین و کوه‌ها هم‌چون سایر حوادث

و اتفاقات، قرن‌ها پیش مورد مذاقه قرآن قرار گرفته و با یک عبارت حالت آن را در آستانه قیامت توصیف می‌فرماید: قرآن کریم این انهدام را با واژه «سراباً» تعبیر کرده و می‌فرماید: و سیرت الجبال فکانت سراباً... (نباء، ۷۸/۲۰)؛ از آنجا که هیچ موجودی پس از وجود پیدا کردن معدوم و نابود نمی‌گردد، هر پدیده‌ای نیز به اصل خود باز می‌گردد. این اصل نیز درباره کوه‌ها صادق است که بازگشت آنها به مبدأ خود یعنی روان بودن و به غبار تبدیل شدن می‌باشد. آیت الله طالقانی در ذیل همین آیه می‌گوید: چون کوه‌ها میخ‌های نگهدارنده و بهم پیوند دهنده قطعات مهد زمین است که با رشته‌های ناپیدای جاذبه در فضا آویخته شده است و به حرکت در آمده تا آن گاه که دوره پرورش و تکمیل آن پایان یابد و جز پیکره‌ای خشک و بی‌مایه از آن باقی نماند و میخ‌های این گهواره برکنده و طناب آن گسیخته می‌شود. وی پس از بیان این نظر تفسیری به محاسبات فیزیکدانان و یافته‌های علم نجوم اشاره کرده می‌گوید:

علم فیزیک و نجوم به این مطلب رسیده‌اند که چون مبدأ تشعشع آفتاب و دیگر ستارگان، تولید پیوسته انرژی دورنی است و این منبع پیوسته رو به کاهش می‌رود، آیا پس از انهدام زمین یا آسمانها وزمین همه یکسره معدوم می‌شوند؟ مفسر بزرگوار پس از بیان این مطلب، مجدداً به رأی تفسیری خود برمی‌گردد و ضمن رد نظریه نابودی کرات، به تبدیل و بازگشت به اصل آنها را متذکر می‌شود و با استناد به سایر آیاتی که این امر را تبیین می‌کنند به اثبات بازگشت به اصل تمام موجودات در آستانه ظهور قیامت می‌پردازد.

بحث دیگری که پیرامون کره زمین وجود دارد، بررسی علل تحولات و انقلابات درونی این کره خاکی است. از آنجا که وجود هر معلولی ناگزیر مرهون وجود علتی است، سؤال این است که علت تحولات عظیم زمین در آستانه قیامت چه چیزی می‌تواند باشد. با رجوع به آیات روشنگر قرآن کریم متوجه می‌شویم که در آستانه ظهور قیامت صدایی مهیب برخاسته و آن واقعه هول‌انگیز به وقوع می‌پیوندد. خداوند این واقعه عظیم را این گونه بیان می‌کند: فاذا جاءت الصاخة (عبس، ۸۰/۳۳) واژه «الصاخة» بیانگر برخی از حوادث و مقدمات قیامت است، که در نهایت، این حوادث دگرگویی زمین را در پی خواهد داشت. آیت الله طالقانی ضمن بررسی آیات مربوط به تحولات آتی کره زمین می‌گوید:

این دوره با تکامل انسان به نهایت می‌رسد و زمین دگرگون می‌گردد، زیرا همان علل افروزنده و شکافنده و کوبنده در درون و بیرون زمین در کمین و آماده‌اند تا این وضع موقت زمین را بهم ریزند، از آنجا که علل طبیعی بسیاری از پدیده‌ها بسیار پیچیده و مجهول است، علل و عوامل طبیعی تحولات آینده زمین نیز معلوم نیست. ۲۶

ایشان پس از بررسی این نکات به یافته‌های علوم زمین‌شناسی مراجعه می‌کند و می‌گوید:

شاید توازن طبقات حرارت‌های دورنی و انتقال آنها و هم چنین کیفیت فرسایش زمین هر کدام به نوبت نقشی در این میان بازی می‌کنند؛ شاید دست‌های ناشناخته دیگری در کارند که پوسته زمین را به حرکت و لرزش وامی‌دارند بی‌آنکه هنوز سر از پرده اسرار به در کرده باشند. در نتیجه زمین‌شناسان چیره‌دست با فروتنی تمام اعتراف می‌کنند که هنوز برای بزرگ‌ترین پرسش‌های دانش زمین‌شناسی پاسخ قاطع و صریحی نیافته‌اند.

به هر ترتیب این پدیده از رموز خداوند است که زمان وقوع و علل آن برای علم بشری هم چنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. اما علوم زمین‌شناسی بدان اقرار می‌کنند که این پدیده لاجرم وقوع خواهد یافت.

پس از مباحثی که در زمینه تحولات کره زمین به عمل آمد و نظرات مختلف زمین‌شناسی مورد بررسی مختصر قرار گرفت به پدیده زلزله‌هایی که پوسته کره زمین و از جمله پوسته آن را مورد تهدید قرار می‌دهند می‌پردازیم. گویا آخرین تحولات کره زمین در آستانه قیامت در قالب زلزله وحشتناکی که تمام زمین را به یکباره در برمی‌گیرد اتفاق می‌افتد. خداوند این زلزله و حرکات شدید زمین را طی آیات سوره مبارکه زلزال به تصویر می‌کشد. آیت اللّٰه طالقانی ذیل آیه اذا زلزلت الارض زلزالها. (زلزال، ۱/۹۹)، ضمن مقایسه زلزله‌هایی که به صورت مقطعی هر چند وقت یکبار بخشی از کره زمین را در بر می‌گیرد با واقعه حیرت‌انگیز زلزله در آستانه قیامت، می‌گوید:

تاکنون بیش از این نمی‌دانیم که آیا این زلزله‌ها از آثار حرارت فوق العاده اعماق و قسمت‌های مرکزی زمین است که مواد آن را بیش از حد گداخته می‌دارد و گاه در لایه‌های طبقات بالا نفوذ می‌نماید و به سبب تبخیر آب‌های درونی



و فشار آن و یا فروریختن صخره‌های بزرگ و جابه‌جا شدن آنها سطح بالای زمین به لرزه در می‌آید، یا امر دیگری در اینجا دخیل می‌باشد.

وی پس از بیان نکات تفسیری آیه به بحث علمی پیرامون این پدیده می‌پردازد و می‌گوید: بر مبنای فرضیه کانت - لاپلاس حرارت درونی زمین از شعله وری آن که از خورشید جدا شده بود باقیمانده و به تدریج سرد می‌شود، ولی فرضیه جداشدن سیارات از خورشید به وسیله محققینی مانند کلرک ماکسون مردود شناخته شد و پس از آن فرضیه‌های دیگر پیش آمد و اکنون فرضیه تأیید شده، آن است که کویپرو تیسزاکر پس از بررسی‌های علمی ابراز داشته‌اند. بنابراین فرضیه چون سیارات منظومه شمسی از گاز سرد و ذرات غبار بین ستاره‌ها پدید آمده و با تراکم خورشید متراکم شده و شکل یافته‌اند باید اشتعال و حرارت درونی زمین پس از تراکم وجود آن پدید آمده باشد. با بررسی‌های خواص فیزیکی اجسام، این نظر تأیید شده که حرارت و ذوب آن در هسته زمین نتیجه تشعشع مواد «رادیو اکتیو» است. بنابراین به عکس فرضیه کانت - لاپلاس، که به تدریج حرارت مرکزی فرومی‌نشیند، شاید پیوسته گرم‌تر شود و به قسمت‌های بالا و سطح زمین برسد و دچار تشعشع‌ها و لرزه‌های نهایی گردد و یکباره به صورت نیروی مشعشع در آید.^{۲۷}

از این رو آخرین حلقات مادی در کره زمین با ایجاد زلزله فراگیر که تمام زمین را در برمی‌گیرد پایان می‌یابد و پس از آن قیامت به وجود می‌آید. می‌توان چنین فرض کرد که با انشقاق آسمان و انفجار و تشعشع شدید خورشید که ناگهان رخ می‌نماید و توازن زمین را از میان می‌برد مواد داخلی و فشرده زمین از هر سو باز می‌گردد و روی زمین را فرا می‌گیرد سپس یکسره صورت زمین و عناصر آن دگرگون و باز می‌شود. مجموع آیاتی که وضع نهایی زمین را توصیف می‌کند مؤید چنین فرضی است.

همان‌طور که بیان شد می‌توان اذعان کرد که تفسیر علمی آیات قرآن در حدود پدیده‌های طبیعی و با حقایق قطعی و به اثبات رسیده، روش کارآمد و سزاواری است و می‌تواند زمینه‌های تدبّر و تفکر بیشتر در منظر محققان آیات الهی فراهم آورد. گرچه تفسیر علمی آیات در پاره‌ای از مواقع توسط مفسران علم‌گرای قرآن راه افراط می‌پیموده و یافته‌های علمی را مبنا قرار داده و ناگزیر به ورطه تطبیق و تأویل آیات برآمده‌اند، اما روش اعتدال در این دیدگاه می‌تواند تا حدودی تب‌ناسازگاری علم و دین را فرونشاند. علاوه بر آن

بهره‌گیری از دستاوردهای علوم مختلف تجربی به ویژه علمی از قبیل پزشکی، نجوم، زمین‌شناسی و غیره با رعایت اصل ناپایداری و فرضیه بودن آنها می‌تواند در تبیین و ایضاح مفاهیم ژرف نهفته در کلام خداوند، ابزاری برای هر مفسر نکته‌سنج و حقیقت‌جو باشد. در پایان این بحث از کاستی‌هایی که در ارائه مطالب و استخراج مفاهیم تفسیر وجود دارد پوزش طلبیده و امید آن که پژوهشگران ارجمند قرآنی بتوانند گام‌های بلندی جهت معرفی و تکمیلی مباحث علمی که در این تفسیر گران سنگ آمده است برداشته و آن را از گوشه انزوای کتابخانه‌ها به درون جامعه آورده و به نسل جوان اسلامی معرفی کنند. هم‌چنین از خداوند متعال علو درجات عالیه را برای مفسر گرانقدر و بزرگوار «پرتوی از قرآن» ابوذر زمان، حضرت آیت‌الله طالقانی خواستاریم.

۱. سید محمود طالقانی، پرتوی از قرآن، ۲۲/۱.
۲. همان، ۱۵/۵.
۳. فصل‌نامه پژوهش‌های قرآنی، ۷-۸/۱۶.
۴. شیخ طنطاوی جوهری صاحب تفسیر الجواهر، در سال ۱۲۸۷ قمری در مصر متولد و تحصیلات خود را در مراکز علمی مختلف قاهره گذراند. تفسیر جواهر از آخرین نوشته‌های وی است که در سال ۱۳۵۶ قمری در ۲۵ مجلد و یک مجلد ملحقات نگارش آن پایان یافت. او در سال ۱۳۵۸ قمری در قاهره وفات یافت.
۵. بهاء‌الدین خرمشاهی، قرآن پژوهی/ ۲۷۶.
۶. پرتوی از قرآن، ۵۰/۶-۵۳.
۷. همان، ۱۴۱/۳.
۸. همان، ۱۲۳/۴.
۹. همان، ۲۲۰/۵.
۱۰. همان، ۹۹/۵.
۱۱. همان، ۱۲۷/۳.
۱۲. همان، ۱۵۶/۲.
۱۳. همان، ۱۲۴/۳.
۱۴. همان، ۱۵۰/۳.
۱۵. همان، ۴۶/۲.
۱۶. پژوهش‌های قرآنی، ۱۷/۷-۸.
۱۷. پرتوی از قرآن، ۸۲/۳.
۱۸. همان، ۸۳/۳.
۱۹. همان، ۱۰۲/۳.
۲۰. همان، ۱۶۸/۳.
۲۱. همان، ۲۱۳/۳.
۲۲. همان، ۲۱۵/۳، پاورقی، به نقل از مجموعه علمی جهان.
۲۳. همان، ۱۱/۳.
۲۴. همان، ۱۲/۳.
۲۵. همان، ۳۲/۳.
۲۶. همان، ۱۶۰/۳.
۲۷. همان، ۲۱۸/۴.